



## بازی‌های محلی قوچان (خراسان شمالی)

### فروغ‌الزمان ضرغامی<sup>۱</sup>

مردم هر گروه و جامعه انسانی با توجه به فرهنگ و اقلیم خاص خود برای گذراندن اوقات فراغت، بازی‌ها و سرگرمی‌هایی دارند. در ایران، به دلیل تنوع آب و هوایی و گوناگونی‌های فرهنگی، بازی‌ها و سرگرمی‌ها نیز از تنوع بالایی برخوردارند.

از جمله مزایا و محاسن بازی‌های محلی این است که با تحرک و شادی همراه‌اند و موجب ترغیب و تشویق کودکان به شرکت در فعالیت‌های بدنی شوند. همچنین، حضور در جمع، رقابت و محک توانایی، می‌تواند از جمله انگیزه‌های این گونه بازی‌ها باشد. مباحث انسانی و مطالعات فرهنگی

بازی‌های بومی و محلی که متناسب با وضعیت اقلیمی و فرهنگی هر منطقه رواج یافته‌اند، به دلیل مقید نبودن به مکان، زمان و ابزار خاص، قابل استفاده

---

۱. فروغ‌الزمان ضرغامی از فرهنگیاران بانگیزه و پرتلاش فرهنگ مردم است. ایشان در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در قوچان خراسان شمالی به دنیا آمد و از سال ۱۳۶۹ تاکنون با واحد فرهنگ مردم همکاری داشته‌اند. ایشان از فرهنگیاران خستگی‌ناپذیری است که با عزمی راسخ و کوششی بی‌نظیر آداب و رسوم و فرهنگ مردمان خوب زادگاه خود را گردآوری و ثبت و ضبط کرده‌اند. مقاله حاضر از سوی شایسته بهرامی سامانی تنظیم شده است.

## ۲۰۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بیشتر هستند. در این گزارش، تعدادی از بازی‌های سنتی قوچان معرفی می‌شوند.

### ۱. نون نون (nun nun)

بازیکنان ابتدا به دو گروه تقسیم می‌شوند و برای تعیین نوبت، به روش پُر یا پوچ عمل می‌کنند. یک نفر که از بقیه زرنگ‌تر و بزرگ‌تر است، سنگریزه‌ای را در میان دو دست خود پنهان می‌کند و به طوری که دیگران نبینند، به سرعت آن را در میان یکی از دستان خود پنهان می‌سازد، سپس هر دو دست خود را روبه‌روی دو گروه می‌گیرد و از آنان می‌پرسد: پُر یا پوک، هر گروهی که درست جواب دهد، بازی را شروع می‌کند. بازیکنان گروه اول توپ کوچکی را در دست می‌گیرند و در عین حال که مراقب هستند توپ به دست گروه دوم نرسد، توپ را مرتب به یکدیگر پاس می‌دهند. این بازی نوعی پاسکاری با توپ است.

در این بازی، گروه دوم نیز تلاش می‌کند تا جلوی پاس توپ را بگیرد و توپ را به دست بیاورد. چنانچه گروه دوم بتواند توپ را از آن خود کند، شروع کننده بازی خواهد بود و این بار گروه اول می‌کوشد توپ را به دست بیاورد. به همین ترتیب بازی ادامه می‌یابد.

### ۲. گرگم به هوا (۱)

برای شروع بازی، ابتدا بازیکنان دو گروه می‌شوند و برای اینکه گروه تعقیب‌کننده (گرگ) مشخص شود، ابتدا تخته‌سنگ کوچکی را انتخاب و یک طرف آن را خیس می‌کنند؛ یک گروه می‌گوید ما سمت خشک را می‌خواهیم و گروه دیگر می‌گوید ما سمت تر را می‌خواهیم؛ سپس هر دو گروه حلقه بزرگی تشکیل می‌دهند و یک نفر وسط همه بچه‌ها می‌ایستد و سنگ را به طرف بالا پرتاب می‌کند، با فرود آمدن سنگ بر روی زمین، همه نزدیک می‌آیند تا ببینند

## بازی‌های محلی قوچان (خراسان شمالی) ❖ ۲۰۷

کدام سمت سنگ به طرف بالاست؛ هر طرف سنگ که بعد از فرود آمدن به طرف بالا بود؛ گروهی که آن را انتخاب کرده است، بازی را شروع می‌کنند. هر یک از گروه اول به سویی می‌دوند و گروه دوم به دنبال آنها، می‌کوشند، آنها را دستگیر کنند.

چنانچه گروه اول از دویدن خسته شدند، برای رهایی از این شرایط هر یک می‌توانند سریع خود را به یک جای بلند (حتی قدری بلندتر از سطح زمین) از جمله پله، سکو و یک تخته‌سنگ برسانند. در این حالت، ضمن اینکه بر روی بلندی نفسی تازه می‌کنند، از دست گرگ‌ها نیز در امان هستند و این بلندی، منطقه امن آنها محسوب می‌شود. پس از لحظاتی توقف و استراحت، از غفلت گرگ یا گرگ‌ها استفاده می‌کنند و پایین می‌آیند و به طرف یک بلندی دیگر می‌دوند. چنانچه هر یک در این فاصله دستگیر شوند از بازی خارج می‌شوند.

بازی به همین ترتیب ادامه پیدا می‌کند تا از گروه اول کسی در میدان نماند. در این زمان، نوبت گروه اول است که به عنوان گرگ و گروه تعقیب‌کننده به دنبال گروه دوم بدونند و سعی کنند آنها را دستگیر کنند.

گاهی نیز قرار می‌گذارند، اگر شخصی که در حال دویدن و فرار است، خسته شد و تا رسیدن به بلندی فاصله، داشت زیادی به‌ایستد و یک پای خود را بالا بگیرد و استراحت کند و تا وقتی یک پایش بالاست، کسی از گروه مقابل نمی‌تواند او را دستگیر کند.

### ۳. گرگم به هوا (۲)

عده‌ای از کودکان دور هم جمع می‌شوند، سپس یک نفر داوطلب می‌گردد و با شمارش اعداد ده تا صد، گرگ را انتخاب می‌کند. به این صورت که

## ۲۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

داوطلب، هر یک از بچه‌ها که دست می‌زند، به ترتیب اعداد زیر را می‌گوید:  
ده / بیست / سی / چهل / پنجاه / شست / هفتاد / هشتاد / نود / صد.  
گرگ کسی است که عدد صد به او برسد. سپس محدوده بازی را تعیین  
می‌کنند و همه با هم می‌گویند:  
همه گرگه «hame gorge»

به این معنی که همه متعلق به گرگ است.

سپس بازی شروع می‌شود؛ به این ترتیب که گرگ به دنبال آنها می‌دود و  
کودکان در حالی که سعی می‌کنند گرگ به آنها نزدیک نشود، به این سو و  
آن سو می‌دوند. هر یک از کودکان که دستگیر شود، او نیز گرگ است و با  
گرگ اول، به دنبال سایر کودکان می‌دود.

همین‌طور بازی ادامه پیدا می‌کند تا همه، گرگ شوند. بدین ترتیب دور اول  
به پایان می‌رسد. سپس نفر اولی که دستگیر شده است، تنها به دنبال کودکان  
می‌دود و مثل دور قبل، بازی ادامه پیدا می‌کند.

### ۴. گو گزله پندیل (go gezale pandile)

بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند و به قید قرعه یک نفر را به عنوان استاد  
انتخاب می‌کنند. استاد، سه سنگ با رنگ‌های سیاه، خاکستری و سفید در دست  
می‌گیرد و برای هر یک از سنگ‌ها، نامی تعیین می‌کند؛ سنگ سیاه «گو»، سنگ  
خاکستری «گزله» و سنگ سفید «پندیل» نامیده می‌شود. سپس سنگ‌ها را به  
کودکان نشان می‌دهد و یکی یکی سنگ‌ها را به آنها معرفی می‌کند. بعد از آنکه  
همه کودکان سنگ‌ها را به نام مخصوص خود شناختند، سنگ‌ها را پشت سر و  
در میان دو دست خود پنهان می‌کند، بعد یکی از دست‌ها را که سنگی در میان  
آن است، پیش روی کودکان می‌گیرد و می‌پرسد: «در دست من چی هست؟»  
هر یک از کودکان حدس و نام مورد نظر خود را بیان می‌کنند:

## بازی‌های محلی قوچان (خراسان شمالی) ❖ ۲۰۹

یکی می‌گوید: «گو» است و دیگری می‌گوید: «گزل» یا «پندیل» است.

وقتی همه نظر خود را بیان کردند، استاد دستش را باز می‌کند.

هر یک از کودکان که جواب اشتباه داده است، سرش را روی زانوی استاد می‌گذارد و بقیه مخفی می‌شوند. آن‌گاه استاد به ترتیب بازیکنان را به اسم صدا می‌زند و کلمه «اوستولک» (o dlak) را هم به آخر اسم آنها اضافه می‌کند مثلاً استاد می‌گوید: حسن اوستولک<sup>۱</sup> (hasan o dlak) یعنی «حسن سوت بز»

حسن نیز از همان جا که مخفی شده است، سوت می‌زند. استاد از فرد یا افرادی که سرشان را بر روی پای استاد گذاشته‌اند، می‌پرسد: «حسن کجاست؟» و او از سمتی که صدا را شنیده است، حدس می‌زند که حسن آنجا پنهان شده و جواب داده است. اگر درست گفته باشد، استاد می‌گوید: «بیا که بردی» و اگر اشتباه بود، استاد می‌گوید: «بیا که باختی».

**۵. قارت (qârt)**

کودکان دور هم جمع می‌شوند و یک شیء را در جای مسطح مشخصی قرار می‌دهند. سپس هر یک می‌کوشند با «مازالاق» (نوعی فرفره دست‌ساز) خود، به آن شیء بززند. هرکس موفق شود، برنده است.

در نوع دیگری از این بازی، کودکان در حالی که هر یک مازالاق خود را در دست دارند، دور هم جمع می‌شوند. سپس یک سیب کوچک را در یک جای صاف و مسطح قرار می‌دهند و هر یک مازالاق خود را به حرکت درمی‌آورند. آنگاه کف دست خود را به آرامی، در کنار مازالاق، رو به بالا، بر روی زمین می‌گذارند و با دقت هرچه تمام‌تر همچنان که می‌چرخند، آن را از میان دو انگشت به کف دست منتقل می‌کنند و به آرامی دست را به سیب

۱. در اصطلاح محلی به نوعی سوت زدن می‌گویند.

نزدیک و سعی می‌کنند مازالاق را همچنان در حال چرخش در کنار سیب بر روی زمین بگذارند تا پس از چند دور چرخش به سیب اصابت کند.

### ۶. مازالاق (mâzâlâq)

مازالاق، وسیله‌ای مخروطی شکل و چوبی است که به رأس آن گل میخی (میخ کوچک) فلزی می‌کوبند. ته این میخ نیز به شکل مخروط است. سپس مقداری نخ کفافی تابانده شده [از این نوع نخ، به علت محکم بودن استفاده می‌شود] را بعد از گل میخ تا نزدیک قاعده مازالاق به دور آن می‌پیچانند. سپس انتهای نخ را به انگشت سبابه دست راست گره می‌زنند و می‌پیچند. سپس با قوت تمام مازالاق را می‌کشند و مازالاق مانند فرفره می‌چرخد.

البته محلی که مازالاق بر روی آن قرار می‌گیرد، باید صاف و مسطح باشد تا مازالاق به راحتی بچرخد. ممکن است گاهی چند نفر با هم مسابقه بدهند و برنده این مسابقه کسی است که مازالاق او نسبت به دیگران، مدت زمان بیشتری بچرخد.

### ۷. مشت بر مازالاق

کودکانی که برای انجام این بازی دور هم جمع می‌شوند، هرچه مازالاق کهنه، فرسوده و غیرقابل استفاده دارند، همراه خود برای انجام بازی می‌آورند و چند تا از آنها را روی هم می‌چینند و با دست از بالا به آنها ضربه می‌زنند، کودکانی که مهارت بیشتری دارند، با همان ضربه اول بعضی از آنها را می‌شکنند. هر یک از کودکان که بتواند، تعداد بیشتری مازالاق بشکند، برنده است و بازی با تعیین برنده در میان شادی و هیاهوی کودکان پایان می‌پذیرد. گاهی نیز به عنوان جایزه کودکان هرچه خوراکی دارند، به او می‌دهند.

## ۸. یک قل، دو قل

کودکان دور هم می‌نشینند و پنج سنگ کوچک گرد و هم‌اندازه جمع می‌کنند و برای تعیین نوبت نیز بازی مختصری با سنگ‌ها انجام می‌دهند. برای این کار، کودکان به نوبت سنگ‌ها را در کف دست می‌گیرند و به آرامی به بالا می‌اندازند و به سرعت و دقت روی دست فرود آید. تعداد سنگ‌های روی دست، ترتیب نفرات را برای شروع بازی مشخص می‌کند، به عبارتی هر کس هنگام پرتاب و گرفتن سنگ، تعداد بیشتری سنگ را روی دست بگیرد، بازی را شروع می‌کند و به همین ترتیب نفرات بعدی مشخص می‌شوند. اگر تعداد سنگ‌های دو نفر با هم برابر شوند، آن دو نفر دوباره با هم رقابت می‌کنند تا تعیین نوبت کامل انجام شود. البته گاهی نیز که تعداد سنگ‌ها مساوی می‌شود، این دو نفر توافق می‌کنند که کدام یک زودتر از دیگری بازی را شروع کنند.

برای انجام بازی، نفر اول همه سنگ‌ها را به زمین می‌ریزد و بعد یکی از سنگ‌ها را برمی‌دارد و به هوا پرتاب می‌کند. در این فرصت، یک سنگ را از زمین برمی‌دارد و با سرعت و دقت سنگ پرتاب شده به هوا را دوباره می‌گیرد. به همین ترتیب سنگ‌ها را یکی یکی از زمین جمع می‌کند. این بازی چند مرحله دارد که هر مرحله نسبت به مرحله قبلی سخت‌تر است و هر بار با تعیین مانع، برداشتن و گرفتن و جمع کردن سنگ‌ها سخت‌تر می‌شود، در پایان هر یک از کودکان که بتواند مرحله بیشتری طی کند و موانع سخت‌تری را پشت سر بگذارد، برنده است.

این بازی قوانین و مقرراتی نیز دارد که به صورت توافقی همه یا برخی از آنها را در نظر می‌گیرند:

## ۲۱۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بازیکنان باید مراقب باشند وقتی سنگی را از روی زمین برمی‌دارند، دستشان با سایر سنگ‌های روی زمین تماس پیدا نکند، در این صورت خطا محسوب می‌شود و نفر بعدی بازی می‌کند.

وقتی می‌خواهند سنگی را بگیرند که به هوا پرتاب کرده‌اند، بقیه سنگ‌های روی زمین نباید تکان بخورد و گرنه خطا محسوب می‌شود و نفر بعدی باید بازی را شروع کند یا ادامه دهد.

هر یک از بازیکنان در هر مرحله که از بازی خارج شود، هنگامی که دوباره نوبت به او برسد، باید بازی را از همان مرحله‌ای که از بازی خارج شده است، ادامه دهد.

### ۹. شیر در رو (šir dar row)

این بازی در اصطلاح یعنی شیر فرار کن، روباه را بخور. در این بازی کودکان دور هم جمع می‌شوند و به دو گروه تقسیم می‌گردند و هر گروه یک نفر را به عنوان سرگروه یا استاد انتخاب می‌کند. سرگروه‌ها برای تعیین نوبت، گل یا پوچ می‌کنند؛ به این ترتیب که یکی از کودکان سنگ کوچکی را در دست می‌گیرد و از سرگروه‌ها می‌پرسد: از این دو تا دستم کدام بده؟ (سنگ در کدام دستم است؟)

هر کدام از سرگروه‌ها بتواند درست تشخیص دهد، گروه او شروع‌کننده بازی خواهد بود. این گروه، «شیر» و گروه مقابل «روباه» نامیده می‌شوند.

گروه شیر در کوچه‌ها و پشت درختان خود را مخفی می‌کنند و گروه روباه به دنبال آنها می‌گردند و این شعر را می‌خوانند:

شیر در رو

روباه بخور

گیل گیل چه



بازی‌های محلی قوچان (خراسان شمالی) ❖ ۲۱۳

(گل ما قرمز است)

قنار بیچه

(بیچه تو قنراق است)

از آن بالا چه آمد

صدای شمشیر آمد

دیوار ما پسته

(دیوار کوتاه است)

ننه غُلو خسته

(مادر غلام خسته است)

دیوار ما بلنده

(دیوار ما بلند است)

ننه غُلو بلنده

(مادر غلام بلند است)

گروه روباه باید مراقب باشند که از سوی گروه شیر به دام نیفتند؛ زیرا گروه شیر هر یک در مخفیگاه، منتظر فرصت مناسبی می‌مانند تا روباه‌ها را به دام بیندازند. هر یک از اعضای گروه شیر که موفق به این کار شد، تا محلی که بازی از آنجا شروع شده است، بر دوش گروه روباه سوار می‌شود. در مرحله بعد، جای دو گروه با هم عوض می‌شود.

۱۰. هر کی همچی همچی نکنه چو مخوره

(har ki hamčihinamč nakeneičuimexora)

پس از اینکه بازیکنان دور هم جمع شدند و یک نفر را به قید قرعه به عنوان سرگروه انتخاب کردند، در کنار هم می‌ایستند و استاد روبه‌روی آنها

قرار می‌گیرد. سپس کودکان باید هر چه استاد می‌گوید یا هر کاری را انجام می‌دهد، تقلید کنند و همان عمل را انجام دهند و گرنه تنبیه می‌شوند.

مثلاً استاد می‌گوید: توپول موپولو

کودکان تکرار می‌کنند: توپول موپولو

استاد: دست توپولو

کودکان: دست توپولو

استاد: پا توپولو

کودکان: پا توپولو

چنانچه یکی از کودکان، اشتباه کند یا عملی را انجام ندهد، سایرین دست و پای او را می‌گیرند و چند بار او را به آرامی به زمین می‌زنند و به این وسیله او را تنبیه می‌کنند.

سپس بازی را از اول شروع می‌کنند و همان شعرها خوانده می‌شود: توپول موپولو و.... و باز استاد حرکاتی دیگر که اغلب حالت نرمش دارد، انجام می‌دهد و کودکان از او پیروی می‌کنند و بازی مثل قبل ادامه پیدا می‌کند.

در عروسی‌ها و جشن‌ها گاهی اوقات استاد دست‌های خود را سیاه می‌کند و در آخر بازی به جای حرکات نرمشی، دست خود را به صورت یکی از کودکان می‌کشد و دیگران هم همانند استاد عمل می‌کنند و دست خود را به خاکه زغال می‌زنند و بعد صورت یکدیگر را سیاه می‌کنند و به این ترتیب بازی پایان می‌یابد.

### ۱۱. لپر لپر یا مته مته (lappar lappr, mate mate)

کودکانی که در این بازی دور هم جمع شده‌اند، روی زمین دایره‌ای رسم می‌کنند و به این ترتیب محدوده بازی را مشخص می‌سازند و یک «لپر» (تکه‌سنگ کوچک و صاف) هم برای خود انتخاب می‌کنند.

## بازی‌های محلی قوچان (خراسان شمالی) ❖ ۲۱۵

فصلنامه

شماره ۳۳ / تابستان ۱۳۹۲

سپس یکی از کودکان لپر خود را به وسط دایره می‌اندازد و نفر دوم سعی می‌کند لپرش را طوری داخل زمین بازی بیندازد که لپر نفر اول را از زمین خارج کند. نفر سوم تلاش می‌کند تا با دقت و تمرکز طوری لپر خود را داخل زمین بازی پرتاب کند که حداقل یکی از سنگ‌ها و لپرهای داخل زمین را از محدوده بازی خارج کند. هر یک از بچه‌ها که موفق شود لپر دیگری را از زمین خارج کند، یک امتیاز به دست می‌آورد. در پایان، امتیازها را می‌شمارند و هر کدام که امتیاز بیشتری داشته باشد، برنده است.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی